



حماسه دیگر

گرامی داشت چهلمین روز درگذشت بستگان و خویشاوندان سنتی اسلامی است که بر اساس آن، مسلمانان به یاد عزیز از دست رفته شان مجلس یادبود برگزار می کنند و یاد و خاطره او را در دل ها زنده نگه می دارند. در اولین اربعین عاشورای حسینی، جابرین عبدالله انصاری و عطیه عوفی از نخستین کسانی بودند که به زیارت تربت پاک و مقدس سیدالشهدا (علیه السلام) و یارانش در کربلا آمدند و در سوگ مولایشان گریه کردند و به عزاداری پرداختند. از آن به بعد با شکوه ترین مراسم در کشورها و شهرهای مختلف، در این روز برگزار می شود تا شور و حماسه دیگری در تداوم عاشورا خلق شود.

احیاگری

اهمیت اربعین وقتی بیشتر درک می شود که نقش سازنده و مفید آن در ماندگاری و جاودانگی حماسه عاشورا و تبیین اهداف و آرمان والای امام حسین (علیه السلام) در نظر گرفته شود. تکریم و گرامی داشت اربعین، تعظیم شعایر دینی و رمز تداوم نهضت حسینی و اعلان وفاداری و پایبندی به مکتب سرخ عاشورا است. اگر امامان

معصوم به برگزاری مراسم و محافل عزاداری، نوحه خوانی و مرثیه سرایی تأکید فراوان داشته اند و اگر برای گریانیدن و گریستن، زیارت کردن و نماز خواندن بر تربت حسین (علیه السلام) آن همه ثواب و فضیلت بیان کرده اند، به سبب همین آثار بالنده معنوی و عاطفی است که در روح مسلمانان به جا می گذارد.

حرکت معنوی

روز یازدهم محرم، وقتی کاروان اسیران از کربلا به طرف کوفه به راه می افتد، زینب (س) به مثابه قافله سالار و پیام رسان انقلاب کربلا، برای حفظ ارزش های اسلامی و فرو ریختن اساس بیدادگری و استبداد، حرکت الهی خویش را آغاز می کند. حضرت زینب (س) از همان آغاز پیروزی نظامی دشمن، خطوط کلی حرکت را در مقابله با ترفندهای دشمن ترسیم کرد و آن را در دو بُعد تعزیه و تبلیغ یا بُعد عاطفی و سیاسی، سامان بخشید. شکوه و عظمت این حرکت معنوی چنان بود که در کوتاه ترین زمان، در درون دژهای نفوذناپذیر قدرت یزید رخنه کرد و اقتدار دروغین او را در هم شکست و قیام کربلا را به پیروزی رساند.

رسالت سنگین

در غروب خونین و سهمگین عاشورا، هنگامی که قامت سرور آزادگان حسین (علیه السلام) به خاک می افتد، رسالت سنگین انقلاب بر دوش استوار و باصلابت زینب (س) قرار می گیرد. حال این زینب (س) است که علاوه بر تحمّل مصیبت های سخت، باید این رسالت سنگین را که به دوشش نهاده اند، به خوبی به انجام رساند. زینب (س) به خوبی آگاه است که اگر آرام بنشیند، پرچم کربلا به خاک می افتد و اگر سکوت کند، پیام عاشورا ناتمام می ماند. پس باید بایستد و مقاومت کند و انبوهی از غم ها و رنج ها را تحمّل کند تا پیام حسین (علیه السلام) از حلقوم بریده اش به گوش همگان برسد و خواب رفتگان و فریب خوردگان را بیدار سازد.

پیام رسانی

کاروان غریب اسرا که از کربلا به راه افتادند و مسیر طولانی کوفه و شام را منزل به منزل پیمودند، تنها زنان و کودکان بی دفاعی نبودند که با زور و ستم به اسارت گرفته شده بودند؛ بلکه آنان روایتگران با تدبیر و اندیشه ای بودند که مظلومیت ها و مصیبت های خاندان رسالت را برای مردم بازگو می کردند و صحنه های دل خراش و تکان دهنده عاشورا و جنایت ها و قساوت های دردآور سپاه یزید را برای آنان به نمایش می گذاشتند و فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام) را بازگو می کردند. پیام خون شهیدان کربلا را به گوش همه می رساندند تا بنی امیه نتواند با پرده پوشی، کردار ننگین شان را توجیه کنند.

مبارزه در اسارت

وقتی خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) و اسارت اهل بیت آن حضرت به گوش یزید می رسد، لبخند پیروزی به لبانش می نشیند و گمان می کند که با شهادت فرزند پیامبر گرامی اسلام و اسارت خاندانش، شکوه و اقتدار او افزون تر و دشمنان حکومت او بیش از پیش بیمناک می گردند. از این رو هنگام ورود کاروان اسرا به شام، جشن باشکوهی به شکرانه بزرگ ترین پیروزی نظامی - سیاسی اش، برگزار می کند. اما بر خلاف تصوّر او، اسیران کربلا به خصوص حضرت زینب (س) و امام سجاد (علیه السلام) گاهی با سوگواری، گاهی با تبلیغ، گاهی با افشاگری و گاه با منطق و استدلال و سخنان حکمت آمیز، چنان هیبت او را شکستند که طولی نکشید یزید به درماندگی و ناتوانی خود اعتراف کرد.

اقیانوس صبر

عصر عاشورا وقتی که طوفان نبرد آرام می گیرد و گرد و غبار میدان فرو می نشیند و خون پسر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر زمین جاری می شود و آخرین تکیه گاه او فرو می ریزد، زینب - در حالی که خود سخت ترین و دردناک ترین لحظات زندگی اش را می گذراند - سرپرستی زنان و کودکان بی پناه را بر عهده می گیرد و آنان را در سایه سار وجود خود پناه داده، و با کلام، نگاه و اشاره آنان را تسلّی می بخشد و از اقیانوس صبر خود جرعه جرعه در جانشان می ریزد تا اندکی از درد و غمشان بکاهد و صدای ناله و گریه شان را آرام سازد.

عبادت

کربلا سرزمینی است که در کنار جهاد و شهادت، زمزمه های عاشقانه و عارفانه را به خود دیده است و زینب قهرمان این میدان است؛ همان گونه که حسین قهرمان میدان شهادت است. حضرت فاطمه صغری دختر امام حسین (علیه السلام) می فرماید: «شب عاشورا عمه ام زینب در محراب عبادتش پیوسته مشغول نیایش بود و با خدا رازونیا می کرد و از او یاری می طلبید». حضرت امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «زینب کبری هرگز در عمرش نافله شبانه را ترک نکردند؛ حتی شب یازدهم محرم که غرق گرفتاری و ماتم عزیزان بود».

سرزمین خاطره ها

کاروان اسیران به دروازه شهر نزدیک می شود، اما زینب غمگینانه خاطره های گذشته اش را مرور می کند و اوراق دفتر دوران خلافت پدرش علی (علیه السلام)، یک یک در ذهن او ورق می خورد و پرسش های بسیاری برای او به وجود می آید:

آیا این همان کوفه ای است که پدرم در آن حکومت می کرد و من با قدر و منزلت فراوان روزهای خوش زندگی ام را می گذراندم؟ آیا اینان همان مردمانی نیستند که وفاداری و بیعت خود را با حسین (علیه السلام) اعلام داشتند؟ پس این همه شادی و شور در مرگ حسین چیست؟ زینب (س) به خروش می آید و با هیبت تمام فرمان سکوت می دهد و سخنان آتشین و تکان دهنده اش را آغاز می کند و در همان لحظه، شادی و سرور کوفیان را به گریه و ناله بدل می نماید: «ای کوفیان گریه هاتان جاویدان باد!»

صلابت کلام

کاروان اسیران وارد کوفه شده است. زینب (س) در اجتماع مردم کوفه سخن می راند و وحشت از قیام و انقلاب، امارت نشینان را فرا می گیرد. دژخیمان سر حسین (علیه السلام) را بر روی نیزه می کنند. سخنان زینب قطع می شود. اما این پایان کار نیست و حضرت زینب (س) و امام سجاد (علیه السلام) در دارالاماره، غرور و هیبت و جلال دروغین ابن زیاد را درهم می شکنند و با استواری پرده های تزویر را می درند و نقاب های نیرنگ را فرو می ریزند و چهره حقیقت را آشکار می سازند. پاسخ های کوبنده و مستدل و رسواگر زینب (س) و امام سجاد (علیه

السلام) چنان تأثیر شگرفی در دل حاضران به جا می گذارد که ابن زیاد با نهایت سراسیمگی و درماندگی دستور قتل آن دو بزرگوار را صادر می کند. امام سجاد (علیه السلام) فریاد می کشد: «ابن زیاد! مرا از قتل می ترسانی؟! تو هنوز نفهمیده ای که کشته شدن عادت ما و شهادت کرامت خاندان ماست؟»

شراره های آتش

اگر شکوه کاروان کوچک اسرا در برابر نگاه ها، تحقیرها و شماتت های انبوه دشمن، بشکند، دور از انتظار نخواهد بود و اگر زنان و کودکان از ترس قساوت و بی رحمی دژخیمان به زاری و التماس بیفتند، جای شگفتی نیست. اما اسرای کربلا عزّت و آزادگی را در مکتب علی و حسین (علیه السلام) آموخته اند و نه تنها تحقیرها و توهین ها و تهدیدها و سختی ها اندکی از صلابت و شکوه آنان نکاست، که با اقتدار تمام در برابر یزید و ابن زیاد ایستادند و غرور آنان را با منطق و استدلال در هم شکستند و مَهر ننگ و نفرین ابدی را بر پیشانی شان کوبیدند.

بُعد عاطفی حماسه عاشورا

حضور زنان و کودکان و نوحه گری ها و سوگواری جان سوز آنان بر مظلومیت شهیدان کربلا، چنان آتشی به جان مردم می افکند و چنان زلزله ای بپا می کرد که دل سنگ دشمنان را هم می لرزاند و اشک هایشان را جاری می ساخت و عواطف و دل های مردم را به نفع جبهه حق و به سوی آرمان های شهدای کربلا هدایت می کرد. گریه ها و ندبه های اسرا و به خصوص زینب (س) در قتلگاه، و سوگواری های آنان در موقعیت های گوناگون - در کوفه و شام و حتّی در کاخ یزید - از نظر عاطفی چنان تأثیر اعجاب انگیزی داشت که همه دشمنان در این عزاداری و نوحه سرایی با کاروان اسیران همراه می شدند و این برنامه ها بود که خانه های دشمن را به عزاخانه های حسین (علیه السلام) تبدیل کردند.

تأثیر سیاسی عزاداری

از آثار مهم مجالس عزاداری و سوگواری و محافل نوحه خوانی و مرثیه سرایی، زنده نگه داشتن حس عدالت خواهی و حق پرستی و توجّه دادن مردم به فرهنگ جهاد و شهادت است. دل باختگان امام حسین (علیه

السلام) برای افشای چهره دشمنان دین و مقاصد شوم آنان، با برگزاری محافل سوگواری، تلاش می کنند یاد و خاطره کربلا و مظلومیت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) را زنده و جاودانه نگه دارند. امام خمینی رحمه الله می فرماید: «مسئله، مسئله گریه نیست، مسئله، مسئله تباهی نیست؛ مسئله، مسئله سیاسی است که ائمه (علیه السلام) با همان دید الهی که داشتند، می خواستند که این ملت ها را با هم بسیج کنند و یک پارچه کنند».

شعار و شعور

برگزاری مراسم عزاداری اگر از محتوا تهی باشد و تنها به صورت تشریفات یا عادت انجام شود، تأثیری عمیق به جا نمی گذارد. آنچه به این برنامه ها و مراسم غنا و تأثیر می بخشد، عبور از جنبه ظاهری و رسیدن به محتوا و حقیقت آن است. باید روح قیام امام حسین (علیه السلام) و صحنه های عاشورا در آنها تجلّی یابد. اگر امامان معصوم (علیه السلام) بر عزاداری تأکید می ورزند، بر محتوا و عمق بخشی آن نیز اصرار ورزیده اند. سوگواری و عزاداری باید الهام بخش فرهنگ جهاد و شهادت باشد و علاوه بر شعار با شعور نیز همراه شود تا تأثیر گذاری و تازگی آن برای همیشه محفوظ بماند.